

در موقع بیکاری و فرصتهای کوتاهیکه مثلا در اطاق انتظار د کتر و سلمانی و امثال آن بدست میآورید استفاده نموده و در اینمواقع بمطالعه پردازید از طرف دیگر برای انسان ممکن نیست گاه و بیگاه يك كتاب بزرگ همراه خود داشته باشد و هر جا مبرود آنرا با خود ببرد برای حل این اشکال بجای اینکه بفکر قشنگی و حفظ کتاب ها برای کتابخانه خود باشید بیست صفحه اول آنراکنده در جیب خود بگذارید و در محل کور و خیابان و سلمانی و هر جای دیگر که کوچکترین فرصت را بدست آوردید بمطالعه و استفاده از آن پردازید و پس از آنکه خوب از مطالب آن استفاده کرده و همه را بخاطر خود سپردید این صفحات را در محل خود لای جلد کتاب گذاشته و بیست صفحه دیگر را بردارید و برای اینکه صفحات جدا شده از لای جلد نیفتاده و گم نشود بدور کتاب يك حلقه لاستیکی بیندازید البته در صورتیکه کتابی بصورت جزوات طبع و منتشر شود استفاده از آنها در خارج از خانه بسیار آسان تر خواهد بود ولی نباید این نکته را از نظر دور داشت که برای خوب شدن بیان باید کتابهای عالی که بتوسط نویسندگان عالیه مقام و بزرگ نوشته شده خوانند .

روش مارك توین در یاد گرفتن لغات

مارك توین وقتی جوان بود يك دفعه مسافت طویل بین میسوری و نوادا - را با کالسکه مسافرت میکرد در راه وسایل زندگی بیدانمیشد و مجبور بود غذا و حتی آب آشامیدنی را با خود ببرد بنا بر این در کالسکه مسافری جا برای حمل انانیه دیگر کم بود بطوریکه اما بیه هر يك از مسافرین بیش از مقدار معین و کمی نمیشد باشد و با وجود این مارك

توین يك ديکسیونر بزرگ همراه خود آورد و در حالیکه کالسکه از کوهها و صحراها میگذشت یا وجود سختی راه و خطر حمله بومیها از روی آن لغت یاد میگرفت زیرا تصمیم گرفته بود که در دانستن لغات استاد شود و همینطور هم شد.

سایر نویسندگان و خطبا نیز همین کار را میکردند و در وویلنس که یکی از نویسندگان زبردست است مینویسد « پدرم هیچوقت اجازه نمیداد یکی از اعضاء خانواده لغت یا جمله غلط استعمال نماید هر لغت جدیدی که در خانه استعمال میشد باید فوراً معنی شده و همه آنرا بخوبی بفهمیم و در گفتگوی خود استعمال کنیم تا کاملاً در خاطرمان بماند »

یکی از نویسندگان زبردست سر موفقیت خود را باین ترتیب شرح داده که او خود را موظف نموده بود هر روز اقلایك لغت جدید یاد بگیرد و برای این کار اگر روزی در گفتگوی با دیگران لغت جدیدی میشنید فوراً آنرا در دفتر خود یادداشت نموده وقتی بهخانه بر میگشت بوسیله دیکسیونر آنرا می آموخت والا هر شب يك لغت از دیکسیونر حفظ میکرد و برای اینکه لغت جدید را که آموخته است کاملاً در ذهنش متمرکز شود کافی بود که آنرا سه مرتبه در گفتگوی عادی خود استعمال نماید.

روایات مربوط به لغات عادی

معنی هر لغت را که یاد میگیرید از دیکسیونر می آموزید ولی راجع بهر لغت مطالب دیگری هم هست که باید مطالعه کرد و آن اصل و ریشه و اشتقاق آنست فکر ننمائید که این لغت فقط ترکیبی از لفظ خشك و

سرد است زیرا هر يك از آنها دارای تاریخی هستند که آنرا رنگین و باروح نموده است مثلا در زبان انگلیسی میگوئیم «شوکر» این لغت از «سوکر» زبان فرانسه گرفته شده و فرانسویها هم آنرا از زبان عربی و بالاخره زبان عربی هم آنرا از «شکر» فارسی که آنها از لغت سانسکریت «کار کلرا» گرفته شده اقتباس نموده است.

کلیه لغات دیگر يك چنین اصل و ریشه دارند که ممکنست با مراجعه بکتابهای مربوطه یا اشخاص آنها را بیاموزید در نتیجه این کار خواهید دید که طرز بیان و استعمال لغات در شما ترقی زیادی میکند و خیلی به آن مسلط خواهید شد.

البته صحیح است که اغلب کسانی که این کتاب را مطالعه میکنند فرصت این همه دقت و مطالعه در اطراف لغات را ندارند و اگر این همه در اطراف آن بحث کردم برای اینست که خوانندگان پی با اهمیت لغت در سخنرانی ببرند ولی هیچ مانعی ندارد بهر مقدار از آن را که میتوانند عمل نمایند.

نکته دیگری که باید ذکر شود اینست که نه تنها باید لغت خوب در حرف زدن بکاربرد بلکه گوینده باید سعی کند هر چه میتواند مطالب بدیع و تازه بگوید و جرأت آنرا هم داشته باشد مثلا ممکنست در یکجا شنیده یا خوانده باشید که سرد بودن را به «یخ» تشبیه کرده باشند باید بدانید که این تشبیهی نیست که همه جا برای سردی بشود کرد چنانچه در زیر یازده نوع تشبیه را که برای سرد بودن بتوسط نویسندگان مختلف شده ذکر میکنیم.

سرد مثل قورباغه - مثل کیسه آبجوش که از شب تا صبح همانند

باشد مثل قبر- مثل یخچال - مثل گچ- مثل لاک‌پشت- مثل برف- مثل نمک - مثل کرم - مثل سحر - مثل باران پائیز
 هر يك از تشبیهات برای جایی مناسب بوده است شما هم ممکنست
 در جاهای دیگر لغات دیگری برای سردی استعمال بنمایید .

خلاصه فصل شانزدهم

۱- هر کس انسان را از روی چهار چیز میشناسد اول کارهای او
 دوم ظاهر او - سوم بآنگه میگوید- چهارم بطرز بیان او بنابراین باید
 در اصلاح و خوب شدن طرز بیان کوشید چارلز وایت- پس از آنکه ثلث قرن
 رئیس دانشگاه بود گفته است که اولین اقدام لازم در تربیت اطفال برای
 اینکه آنها را يك خانم یا آقای بتمام معنی باریاوریم اینست که زبان مادری
 را بطور کامل بآنها بیاموزیم .

۲- برای خوب شدن طرز بیان باید با ادبا و نویسندگان معاشرت
 کرده و زیاد کتاب بخوانید.

۳- برای اینکه بتوانید از اوقات بیکاری و فرصت‌های کوتاهی که
 در راه و اطاق‌های انتظار و انواع اینطور جاها پیدا میکنید برای خواندن
 کتاب استفاده نمائید بیست ورق از کتاب را کنده در جیب خود بگذارید
 و دور آنرا يك حلقه لاستیکی بیندازید .

۴- از دیکسیونر «کتاب لغت» زیاد استفاده نمائید و هر لغت جدیدی
 را که می‌آموزید چند دفعه در نوشتن و حرف زدن عادی استعمال نمائید
 تا کاملاً مسلک شده در خاطرات بماند .

۵- ریشه و اصل لغات را بوسایل مختلف تحقیق کرده و بیاموزید.

-۱۹۹-

۶- لغات عامیانه استعمال نکنید.

۷- هرچه میتواند تشبیهات و مطالب تازه و بدیع استعمال نمایند.

تمرین صدا - دوره

۱- يك شعر خوب را انتخاب کرده با رعایت کلیه نکات تمرین‌های

گذشته با صداهای بلند بخوانید.

« پایان »

تهران اردیبهشت ۱۳۳۱ چاپ سوم

کتابخانه زوار خیابان شاه آباد